دکتر داود قره گوزلو، اقتصاد دان

فرهنگ پویا لازمه جهانی شدن است

گفت و گو از: سایر محمدی

«فرهنگ و رشد اقتصادی» و «پایه های علم اقتصاد» و «مهاجرت» و «فرهنگ، مذهب و پیشرفت» عناوین چهار کتاب به قلم داود قره گزلو است که به زبان آلمانی تألیف ومنتشر شده است. داود قره گزلو متولد ۱۳۳۰ کرج، فوق لیسانس جامعه شناسی، فوق لیسانس علوم سیاسی و دکترای اقتصاد دارد. هم اکنون در مؤسسه مطالعات آمریکای شمالی دراروپا فعالیت دارد. ضمن این که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز تدریس می کند.

وی در این هفته عازم آلمان است و کتاب «تاریخ اقتصادی اروپا» را هم در دست چاپ دارد که از سال ۱۵۰۰ میلادی به این سو مورد مطالعه قرار گرفته است.

چرا کتابهایتان به فارسی ترجمه نشده است؟

چون تازه به ایران آمده ام هنوز فرصتی به دست نیاورده ام که کتابهایم را برای ترجمه در اختیار مترجم قرار بدهم. در خارج از کشور هم چون ایرانیان به زبانهای اروپایی آشنا هستند ضرورتی به ترجمه آن نبوده است. در آینده نزدیک حداقل دو جلد از آن را در اختیار مترجم قرار می دهم.

به عنوان یک استاد ایرانی شاغل در خارج از کشور و یک اقتصاددان آیا به علل عدم تمایل ایرانیان تحصیلکرده برای بازگشت به ایران توجه کرده اید؟

عواملی که تحصیلکرده ها را از بازگشت به ایران باز می دارند چند گونه هستند: عمده ترینشان پایین بودن حقوق در دانشگاهها درمقایسه با خارج از کشور است. دیگر، نداشتن تسهیلات علمی کافی در ایران است. و نیز نداشتن انگیزه کافی از طرف دستگاههای آموزشی و پژوهشی درایران است. به طور خلاصه کم بها دادن به علم اقتصاد برای تعریف مهاجرت ازمدلهای مختلف استفاده می کند که یکی از آنها مدل Push-Pull است: زمانی انگیزه برای مهاجرت رشد کرده یا زیاد می شود که سطح درآمد بین کشور صادر کننده و کشور دریافت کننده تفاوت داشته باشند و مهاجر با صرف نظر کردن از موقعیت فعلی به وضع بهتری دست می یابد. فاکتورهای دیگر از قبیل فقدان آزادیهای شخصی، دگرگونیهای اجتماعی - سیاسی انگیزه مهاجرت را افزایش می دهند. انگیزه تحصیلکردگان هم خارج از فاکتورهای ذکر شده نیست و ایران هم تنها کشوری نیست که از آن مهاجرت شده و یا می شود.

به عنوان یک تحلیلگر و استاد دانشگاه که در مسائل اقتصادی صاحب نظر هستید آیا جهانی شدن را به سود ایران می دانید؟

با نگرشی سطحی به زندگی روزمره مردم می توان به اوضاع اقتصادی ایران پی برد: تورم روز افزون یعنی بی ارزش شدن پول رایج، ثابت نبودن نسبی قیمتها، ضعیف بودن تقاضا، پایین بودن تولید ناخالص ملی، بیکاری جوانها، مسائلی هستند که انسان بدون داشتن دانش اقتصادی می تواند مشاهده کند. در حال حاضر اقتصاد ایران مثل زمان بین دو جنگ بین الملل در آلمان است. چاپ اسکناس و افزودن مقدار پول و در نتیجه گردش سریع آن اوضاع را وخیم تر می سازد. اتخاذ یک سیاست پولی محکم در درجه اول اهمیت قرار دارد. سیاست اقتصادی باید بر مبنای بسیج سرمایه های داخلی باشد.

یعنی اول از هرچه در اختیارمان در ایران است استفاده بکنیم. برای این کار وسایل مختلفی در اختیار قرار دارند مثل سیاست بهره ای، سیاست مالیاتی و غیره...

رشد اقتصادی چیزی نیست غیر از به کار بردن مهمترین ترکیب و رابطه بین سرمایه، کار و تکنولوژی یا دانش برای هر کشوری این Combination متفاوت است و بستگی به کمبود یا ازدیاد منابع موجود دارد. وجود نیروی کار فراوان و ارزان در ایران و با توجه به داشتن سرمایه کم ضرورت روش های تولیدی را ایجاب می کند که این ظرفیت را به بهترین وجهی به هم ارتباط بدهد.

ما تا چند سال دیگر همسایه دیوار به دیوار بازار مشترک اروپا می شویم. این برای اقتصاد ما یک شانس است که از آن به بهترین وجهی برای منافع ملی خودمان استفاده بکنیم.

این در صورتی ممکن است که ما دارای اقتصاد قوی باشیم و به عنوان یک هم گروه بتوانیم از مزایای آن استفاده ببریم. همینطور با جهانی شدن اگر ما بتوانیم با تکیه به خود نیازهای باقی مانده در بازار جهانی را کشف کنیم می توانیم از این روند استفاده ببریم. کشوری مثل سنگاپور که تازه در سال ۱۹۶۴ از استعمار بیرون آمد توانسته است در این مدت کوتاه جزو کشورهای با رشد اقتصادی زیاد و درآمد سرانه در بیاید.

کشورهای ضعیف شانس چندانی در روند جهانی شدن ندارند و تقویت و حمایت از اقتصاد ملی توسط دولت شرط حیاتی برای موفق بودن است. ضرورت تکامل یک دولت رفاهی در ایران بیش از پیش احساس می شود. شرط غلبه بر مشکلات اقتصادی در ایران داشتن یک دولت رفاهی است. یک دولت رفاهی هم تضمین کننده صلح اجتماعی است و هم از پاشیدگی نیروهای انسانی جلوگیری می کند. دولت های رفاهی مثل سوئد، دانمارک و آلمان توانسته اند در طول تاریخ بعد از جنگ دوم جهانی به رشد قابلی دست یابند. دو چیز را باید از هم متمایز کرد: مالکیت ومکانیزم. سهم کشورهای رفاهی در مالکیت زیاد تر است.

ولی این باعث نمی شود که این دولتها مکانیسم بازار را در نظر نگیرند و خودشان را مثل عرضه کننده یا تقاضا کننده معمولی در نیاورند و یا رفتار نکنند. داشتن سهم دولت در اقتصاد به هیچ عنوان به معنی منفی بودن آن نیست. نئوکلاسیک های اقتصادی و یا اگر واژه سیاسی آن را به کار ببریم نئولیبرالها دولت را به عنوان یک دزد تلقی می کنند و این را از دریچه ایدئولوژی می بینند. آدام اسمیت انتقادش به دولتهای مرکانتیلی بوده است و این با نقش دولت در این زمان مدرن تفاوت دارد.

در کل با جهانی شدن اطلاعات و سرعت پخش آن افزایش می یابد. دسترسی به دانش وتکنولوژی آسان تر می شود. خرید و فروش سریعتر می شود و با گسترش بازار امکانات رشد اقتصادی بیشتر می شود.

فرهنگ واقتصاد چه رابطه ای دارند؟

امروزه اقتصاددانانی نظیر David Landes به این نتیجه رسیده اند که غیر از فاکتورهای مادی اقتصادی یک عامل مهم هم وجود دارد که رشد اقتصادی را تسریع و یا مانع یا کند می کند و آن فرهنگ آن جامعه است. چرا در غرب فقط پیشرفت حاصل شد و در جای دیگر نه؟ این سؤالی بود که در ۱۰۰ سال پیش مطرح شد و امروزه دوباره تکرار می شود با این تفاوت که در آن موقع تعداد کشورهای پیشرفته کم بودند ولی امروز تعداد آنها افزایش یافته.

فرهنگ در اینجا به صورت مجموعه ای از ارزش ها و نرم های اجتماعی است و عملکرد آن از نظر اقتصاددانان در تسریع و پراکندگی اطلاعات دیده می شود.

در کنار اینکه آیا یک فرهنگ اخلاق کاری راتقویت می کند، اعتماد به نفس را تشدید می کند، به کار بردن عقل را محور خود قرار می دهد و کسب مال را محکوم نمی کند از همدیگر متمایز می شوند. عقب گرایی وتسلیم به سرنوشت چیزهایی هستند که متأسفانه در کشورهای جهان سوم رواج دارند و باعث جلوگیری از پیشرفت می شوند. فرهنگ پویا فرهنگی است که باز باشد، بتواند تغییر و تحولات محیط را جذب بکند و به فرقابل پذیرش تجدید تولید نماید.

تغییرات و پیشرفت تکنولوژی خیلی سریع است حتی سریع تر از پیشرفت انسانی. اگر فرهنگی قادر نباشد که این تحولات را به صورت ثبت و خلاق جذب کند و جوابگو باشد نتیجه آن عقب ماندگی است.

نظم و ترتیب، احترام به قوانین، رعایت حقوق افراد، تحمل عقاید دیگران نشانه های سلطه عقل خواهی است که ریشه فرهنگی دارند و برای رشد اقتصاد جامعه اساسی است.

گفت وگو با سید شاهین عرب مینیاتوریست

مکتب مینیاتور تهران؛ معرفی هنر ایرانی است

«مکتب مینیاتور تهران» نگارستان با هنرکده ای که سید شاهین عرب آن را تأسیس کرده است. در این نگارستان علاوه بر نمایش آثار مینیاتور اساتید معاصر این هنر، آثار هنرجویان نیز به معرض نمایش گذاشته می شود.

سیدشاهین عرب مسؤول و استاد این نگارستان ۳۴ سال دارد و تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه آزاد اسلامی به پایان رسانده است. وی تاکنون در بیش از ۲۰ نمایشگاه جمعی و انفرادی شرکت کرده و چهار اثرش توسط موزه هنرهای معاصر تهران خریداری شده است. عرب همچنین در بی ینال نگارگری به عنوان هنرمند برگزیده معرفی شده است. گفت وگوی پیش رو در حوزه هنر مینیاتور ایرانی و مکتب مینیاتور تهران انجام شده که می خوانید.

آقای عرب، قبل از هر پرسشی لطفاً مکتب مینیاتور تهران از چه زمانی مسیر خود را آغاز کرده است؟

این مکتب دقیقاً از زمان پایتخت شدن تهران آغاز شده، زمانی که آغامحمدخان قاجار سرسلسله قاجاریه این شهر را به عنوان پایتخت برگزید. این فعالیت هنری از همان زمان در تهران آغاز شد و اولین نقاشانی که در این مکتب پیش رو بودند هنرمندانی همچون استاد میرزا بابا واستاد صنیع الملک غفاری هستند. این اساتید به عنوان نقاشان صدر مکتب مینیاتور تهران شناخته می شوند.

مکتب مینیاتور تهران یا به طور کلی مینیاتور معاصر حائز چه ویژگی هایی هستند؟

هر کدام از مکاتب نقاشی ایرانی دارای خصوصیات ویژگی های ساختاری و مفهومی خاصی هستند، حتی از لحاظ ساخت وساز و تکنیک تا حدودی با هم تفاوت دارند. یکی از مهمترین ویژگی های این مکتب تنوع شیوه فردی در این سبک نقاشی است که در دوره های قبلی اگرچه فردیت پرداز بود اما به این شدت وجود نداشت. به طور مثال بسیاری از آثار نقاشان گذشته ایران منسوب به یکدیگرند و چون اکثر هنرمندان کارشان را امضا نمی کردند تردید در این آثار بسیار است، اما آثار میرزا بابا یا صنیع الملک یا هادی خان تجویدی تفاوت زیادی با یکدیگر دارند، یا به طور مثال آثار حسین بهزاد با آثار مجید مهرگان بسیار متفاوت هستند.

چطور شد که هنرکده مکتب مینیاتور تهران را راه اندازی کردید؟

از سال ۱۳۷۱ این کار را آغاز کردم و پس از چندسال فعالیت در حوزه نقاشی مینیاتور در سال ۱۳۷۹ مکتب مینیاتور تهران را راه اندازی کردم. این کار کاملاً شخصی است وهزینه راه اندازی هنرکده و تأسیس آن با کمک خانواده ودوستان تأمین شده است. این هنرکده شامل آموزشگاه، نمایشگاه دائمی و بخش تحقیقات است. آموزشگاه در هر ترم یک ماهه ۷۰ نفر هنرجو می پذیرد وتا امروز بیش از هزار نفر در آن آموزش دیده اند. در بخش نمایشگاهی نیز آثار مینیاتور مختلف از دوره های معاصر به نمایش عمومی درآمده اند. در بخش تحقیقات مکتب مینیاتور تهران نیز تألیفاتی انجام شده است. «تکنیک ووسایل نقاشی ایرانی» و «فرش - نقاشی بر تار و پود» در این بخش به بوته چاپ سپرده شده اند.

حالا چرا نام «مکتب مینیاتور تهران» را بر مؤسسه خود گذاشته اید؟

معمولاً هنر مینیاتور در هر پایتختی که رشد کرده باشد به آن نام خوانده می شود. به نظر می رسید در حوزه مکتب مینیاتور تهران کمتر کار شده است. البته پیش از این تألیفات و تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است که خیلی روی مکتب مینیاتور تهران متمرکز نبوده اند. غالب این تحقیقات اروپایی بوده و آن شناخت عمیق را از هنر نقاشی ایرانی ارائه نمی دهد. به طور کلی فعالیت هایی که در یک دهه اخیر انجام شده بیشتر روی مینیاتور معاصر ایران بوده است نه روی مکتب مینیاتور تهران. در همین باره باید بگویم در بخش تحقیقات کارهایی انجام شده و نمایشگاههایی از آثار حسین بهزاد، حاج مصور الملکی و محمد تجویدی در هنرکده برگزار کرده ایم.

اهداف مشخصی که از تأسیس هنرکده و دنبال کردن مکتب هنری مینیاتور تهران دارید چیست؟

آموزش و تعلیم به هنرجویان علاقه مند، کشف و جذب استعدادهای درخشان، اشاعه و معرفی هنر مینیاتور خصوصاً دوره معاصر به توده مردم و نمایش آثار و معرفی هنرمندانی که چه در گذشته و چه امروز در مکتب مینیاتور تهران فعال بوده اند و هستند.

با این حساب آینده خوبی باید برای این هنر متصور باشید، درست است؟

بله، هنر مینیاتور ایران در آینده بسیار پویاتر از گذشته خواهد بود، به دلیل اینکه امروزه افراد بسیاری به این هنر علاقه مند شده و در این رشته ادامه راه می دهند، دوم اینکه اطلاعات تئوریک تحقیقاتی در مورد مینیاتور افزایش یافته و نکته مهمتر این است که در گذشته استاد مینیاتوریست زن نداشته ایم اما طی دو دهه گذشته با استقبالی که زنان از این هنر به عمل آورده اند در آینده زنان حرفهای بسیاری در این زمینه خواهند زد.

ممکن است بسیاری از مردم فکر کنند هنر مینیاتور هنری کاملاً ایرانی است، در صورتی که چنین نیست. در این باره لطفاً توضیح بدهید.

هنر مینیاتور صرفاً متعلق به ایران نیست. این سبک تا حدودی جهانی است و کشورهای زیادی همچون چین، هند، ژاپن، ترکیه عثمانی وحتی برخی کشورهای اروپایی در این زمینه فعالیت می کنند. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است اینکه زادگاه هنر مینیاتور در ایران بوده و بدون اغراق و هرگونه تعصب سرآمد همه مینیاتوریست ها در هر دوره تاریخی ایرانیان بوده اند. دلیل این امر ظرافت و اجرای بسیار دقیق و ترکیب بندی قوی همراه با استحکام آثار ایرانی است.

علاقه مندان بخصوص جوانانی که اشاره کردید به این هنر علاقه دارند چگونه می توانند از مکتب مینیاتور تهران بهره ببرند؟

مراجعین وعلاقه مندان می توانند به نشانی میدان ونک، خیابان ملاصدرا، نرسیده به کردستان شماره ۲۷/۱ مراجعه کنند و در هنرکده «مکتب مینیاتور تهران» در حوزه آموزش، مشاوره، بازدید از نمایشگاههای برپا شده و گفت وگو با هنرجویان از امکانات استفاده کنند.

از شما سپاسگزارم.

ایران کانون پیوندهای فرهنگی با ملل جهان

کنفرانس علمی «از لوح تا لوح» در قالب پیوندهای فرهنگی به موضوع «خط و کتابت» در گستره تاریخ باستان، دوران میانه و دوران اسلامی می پردازد. اندیشمندان، فرهیختگان و هنرمندان دراین گردهمایی پیدایی و دگرگونی های خط و کتابت را در مسیر تاریخ تا دوران معاصر مورد مطالعه و بررسی قرارمی دهند. با این توجیه که در ایجاد پیوندها و همبستگی های فرهنگی میان اقوام ملل جهان، خط و کتابت، تأثیرگذار بوده است.

دانش پژوهان این عرصه اعتقاد دارند که خط و کتابت، زبان شفاهی میان انسان ها را از گزند فراموشی نجات می دهد و اندیشه و آرای وی را به جایگاه میراث مکتوب و جاودان بشری می رساند، درعین حال تاریخ خط و کتابت خود شرح دلنشین سرگذشت پرفراز و نشیبی است که درتاریخ انسان با تمامی جنبه های حیات او ریشه دارد. ثبت و ضبط دانش ها، تکاپو و داشته های بشری بر گل و سنگ و کاغذ تا ریزتراشه های رایانه به حافظه محدود میرای انسانی حالتی پایدار می بخشد و ضامن استمرار و بقای پیوندهای فرهنگی می شود. آغاز زبان، خط و کتابت درحقیقت آغاز حیات فرهنگی و نتیجه اولین تکاپوی فکری انسان برای ارتباط و انتقال فکر و تجربه با دیگران و همچنین آیندگان بود.

و ابتدا اندیشید ولی نمی دانست چگونه اندیشه اش را به دیگران بگوید. به تصویر متوسل شد وخط تصویری را وسیله انتقال اندیشه اش قرارداد، آرام آرام متوجه شد که تصویر گویای تمامی مافی الضمیر او نیست و او باید بتواند راحت تر با دیگران سخن بگوید. بسیار کوشید تا توانست به ارائه کرد که به دلیل ویژگی های خود خط فراگیر وزبان آرامی تکلم غالب مردمان شد و دولت هخامنشیان آن را به عنوان خط وزبان دیوانی برگزید و آرام آرام غلبه خود را بر زبان فارسی باستان و خط میخی نشان داد. حضور اسکندر مقدونی خط یونانی را واشکانیان برمبنای زبان آرامی، خط پهلوی اشکانی و ساسانیان خط پهلوی ساسانی را رواج دادند.

اسلام حرکت قلم را وآنچه که به رشته تحریر درآورد پاس داشت، به آن معنایی عمیق بخشید و اثر آن را بر صفحه کاغذ جلوه گر صورت مکتوب وحی الهی دانست. خطاطی، خوشنویسی و خوش نویسان را ستود و در دامن گسترده هنر اسلامی خود به آن بالندگی و پویایی داد. ایرانیان هرچند در تاریخ پیش از اسلام سهم اندکی در پیدایی و تحول خط داشتند ولی این هنر و گوناگونی آن در دوران اسلامی توانست با همت و ذوق ایرانی به مراتب والایی نایل شود.

خط و کتابت در قالب ابزار فرهنگ و انتقال فرهنگی و به دنبال آن ایجاد پیوندهای فرهنگی امکان مطالعه فرهنگ های مشترک وپیوندها و علقه های فرهنگی ملل را میسر کرد. مطالعه فرهنگ مشترک انسانی نشان می دهد که بسیاری از عناصر و مؤلفه های فرهنگی در میان ملل از عنصر آشنایی خطی اندیشه نگار دست یابد وپس از آن «هیروگلیف» در مصر و پس از آن به سرزمین یونانیان آمد، آن هنگام هزاره چهارم پیش از میلاد بود.

سومری ها خط میخی را رونق دادند وباتوجه به علاقه مندی شان به ضبط و ثبت گفتار و تجارب خود خط میخی ایلامی و خط میخی بابلی تولد می یابد و آرام آرام قلمرو فرهنگی خود را از بین النهرین به آسیای صغیر و شمال در بین دیگر اقوام و ملل همجوار خود گسترش می دهد.

ایرانیان باستان کتیبه های خود را از روی آثار و علایم خط میخی بابلی و ایلامی نگاشتند، ولی بسیار به آن افزودند.

فنیقی ها در هزاره دوم قبل از میلاد خط فنیقی را با ۲۲ علامت به جهانیان هدیه دادند.

یونانیان در این گذر انتقال، خط فنیقی را به غرب و آن سوی دریاهای غربی بردند.

آنها قدری تغییرات در آن داده، به روم آن زمان معرفی و زمینه الفبای لاتین را فراهم کردند.

الفبای فنیقی هم در قلمرو مغرب زمین و هم در سرزمین های شرقی را تا هند در سیطره فرهنگی خود گرفت و از زایش های خود خط «آرامی» را به جهانیان برگزاری پیوندهای کهن ایران و غرب آسیا بود که چندی پیش به گفت وگو نشستیم و اینک سرگذشت خط و کتابت، پیدایی و دگرگونی آن در مسیر تاریخ موردتوجه قرارخواهدگرفت، با این توجیه که در ایجاد پیوندها و وابستگی های فرهنگی میان اقوام و ملل جهان خط و کتابت از دیرباز نقش اساسی داشته ویکی از وجوه اولیه فرهنگ و تمدن بشری است. خط و کتابت باعنوان «از لوح تا لوح» یکی از مؤلفه های مشترک بشری وتکاپوی جمعی ملل جهان در ایجاد ارتباط و خودبیان جریان تاریخ لوحه های گلین تا لوح های فشرده به عنوان ابزار نوشتار و انتقال علم و آگاهی است.

این برنامه در چهار محور اساسی درباره خط و کتابت و لوازم آن برنامه خود را دنبال خواهدکرد و عبارتند از:

۱- اهمیت خط از نظر استاتیک
۲- اهمیت خط درتداوم فرهنگی ملل
۳- اهمیت خط در ارتباطات فرهنگی ملل
۴- اهمیت خط از لحاظ ابزارکار

البته شایان توجه است که این برنامه نه صرفاً پرداخت ماهوی به مسأله خط و کتابت، بلکه توجه بیشتر و رویکرد به پیوندهای فرهنگی ملل و نقش خط و کتابت در تسهیل این پیوندها در گستره تاریخ ملل است که درحوزه های گوناگون موردتوجه فرهیختگان، اندیشمندان و هنرمندان قرارخواهدگرفت. آنان در روزهای ۱۵-۱۳ تیرماه در تهران از سراسرجهان گردهم می آیند تا مقوله «خط و کتابت» را در قالب مطالعه پیوندهای فرهنگی موردتوجه قراردهند.

اتاق روشن

یک روز تعطیل - تصمیم برای دیدن یک فیلم - صف گرفتن بلیت - صندلی هایی که یکی یکی پر می شوند و چراغهایی که همگی با هم خاموش! ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ - تصویر روی پرده می نشیند و صدا سینمای خاموش را پر می کند. به پشت سرت نگاه می کنی، به اتاقک بالای ردیف آخر صندلی ها، به پنجره ای روشن از تنها اتاق روشن سینما و تصویری محو از کسی که کنار دستگاهی بزرگ ایستاده است.

این اتاق روشن آپاراتخانه است، هوای گرم و نمناک دارد و بوی ناآشنا فضای آن را گرفته است. سر و صدای زیادی از دو دستگاه بزرگ با پوشش آهنی و خشنی که دارند تولید می شود. صدا آنقدر بلند هست که بایدهر سؤالی را دوبار از آپاراتچی بپرسی و هر بار هم صدایت را بلندتر کنی تا دستگاهها سؤال تو را میان سر و صدایشان گم نکنند.

اینجا تنها اتاق روشن سینماست. تنها اتاق روشن سینما صحرا و تصویر محوی که از روی صندلی ها می بینی که کنار دستگاه پخش فیلم ایستاده است. علیرضا فرزانه آپارتچی سینما صحراست.

آقای فرزانه! این همه سر و صدا را چطور تحمل می کنید؟

به خاطر علاقه ای که به کارم دارم اصلاً دیگر صدای این دستگاه ها را نمی شنوم، اما به هر حال این صداها تأثیر بسیار بدی به مرور روی سیستم اعصاب و شنوایی آدم می گذارند. ولی باید این را هم بگویم صدایی که شما می شنوید یک حد نرمال از این دستگاههاست، ولی من در سینماهایی کار کرده ام که سر و صدای دستگاه پخش فیلم به حدی بوده که یک فرد معمولی بیش از ۵دقیقه نمی توانسته آن را تحمل کند.

چندسال است در این کار هستید؟

من از سال ۱۳۵۲ یعنی زمانی که ۱۱ساله بودم و قدم به دستگاه برای جا انداختن فیلم نمی رسید و باید از چهارپایه ای برای این کار استفاده می کردم تا الآن در این شغل هستم.

چه شد که از میان این همه شغل به سمت این حرفه کشیده شد ید؟

من در کودکی وقتی فیلمی را بر پرده سینما می دیدم با خودم فکر می کردم حتماً بازیگران داخل این اتاق بازی می کنند و ما تصویر آنها را بر پرده می بینیم. با این فکر به اینجا نزدیک شدم وجای بازیگرهایی که در ذهن من بودند این دستگاهها را دیدم و با شاگردی کردن کنار دست افراد مختلف با کلیت کارهایی که باید انجام می دادم آشنا شدم.

خیلی از افراد به این اتاق روشن سینما نگاه می کنند و در ذهن خودشان می پرسند چه اتفاقی در اینجا می افتد.

اینجا دستگاه نمایش فیلم هست و ما یک فیلم را از نظر نور و صدا کنترل می کنیم، اگر فیلم عیب و نقصی از لحاظ نوری و یا کیفیت صدا داشت باید رفع کنیم که البته قبل از نمایش فیلم تمام این موارد که گفتم باید انجام شود تا هنگام پخش فیلم با مشکلی مواجه نشویم.

شما گفتید خیلی سال است در این حرفه هستید. طی این سالها دستگاههای پخش فیلم چه تغییراتی از نظر پیشرفت تکنولوژی کرده اند؟

در سالهای اول که من وارد این کار شدم جنس فیلمها خشک بود و الآن پلی استر - تر - هستند و ما آن زمان مجبور بودیم برای اینکه فیلم هنگام پخش نشکند فیلم را قبل از نمایش چند ساعتی داخل گونی های مرطوب بگذاریم و همچنین سیستم نوری دستگاهها چراغی نبودند و سیستم آنها ذغالی بود و ما باید ذغالهایی که به دستمان می رسید قطعه قطعه می کردیم و این قطعات را با حلبی به همدیگر وصل می کردیم وتمام این کارهایی که گفتم در همین محل محدود انجام می شد.

اطلاع دارید الآن از نظر تکنولوژی پخش فیلم با دیگر کشورها چه قدر تفاوت داریم. به سیستم آنها نزدیک هستیم و یا خیر؟

از نظر کاری که دستگاههای پخش فیلم ما در سینماها انجام می دهند با دیگر کشورها تفاوتی نداریم، اما از نظر امکانات می توان گفت حدود ۸۰ درصد از دیگر کشورها عقب هستیم. مثلاً ما هنوز سیستم نور دیجیتال نداریم، اما صدای دیجیتال داریم که دستگاههای سینما صحرا هم این امکانات را دارند.

آقای فرزانه! وقتی فیلم به سالن سینماها می آید ارتباط کارگردان و تهیه کننده کاملاً با فیلم قطع می شود و یا نه هستند کسانی که حتی بخواهند نحوه و کیفیت فیلم را بر پرده سینماها هم ببینند؟

تعداد این افراد خیلی کم است و تنها زمانی که جشنواره فیلم است این اتفاق زیاد می افتد و کارگردانها می آیند و عیب و نقص فیلم را به ما می گویند مثلاً اینکه از نظر نوری فیلم آنها تیره شده و باید شدت نور را زیاد کنیم و یا اینکه صدا در بعضی قسمتها مشکل دارد و باید رفع شود.

تا به حال در این مدت کاری شما، شده فیلمی به لحاظ مشکلی قطع شود و نتواند به نمایش آن ادامه دهید؟

خیر تا امروز اتفاق نیفتاده. البته شاید برای چند لحظه کوتاه، اما اینکه نمایش فیلم قطع شود اصلاً.

شما زیر نظر کدام وزارتخانه هستید؟

وزارت ارشاد اسلامی.

کلاس های خاص هم برای آموزش شما تا به حالا دایر شده تا محدوده اطلاعاتی صنف شما بالاتر برود؟

خیر تنها دوره های کوتاهی در حد شناسایی قطعات دستگاه برای افراد تازه وارد گذاشته اند اما این کلاسها در حد کار با دستگاه نبوده است.

شما اصلاً صنف و نماینده ای برای بیان مشکلات خود در این وزارتخانه دارید؟

نه متأسفانه با تمام مشکلات کاری چه از نظر بهداشت روانی و حقوقی، نماینده ای در این صنف نداریم و میزان دریافتی ما نسبت به زمان کاری وسختی کارمان نیز بسیار ناکافی است.